



2

Vol. 17
Summer 2025

Research Paper

Received:
2024 December 29
Revised:
2025 May 21
Accepted:
2025 June 20
Published:
2025 June 20
P.P: 105-143

ISSN: 2008-3564
E-ISSN: 2645-5258



Social crisis management

An Analysis of the Consequences of Foreign Nationals' Settlement in Sistan and Baluchestan Province (Case Study: Afghan Nationals)

Abolfazl Amiri *¹

Abstract

Due to its geographical location and shared border with Afghanistan, Sistan and Baluchestan province hosts a large population of Afghan migrants and refugees. This study aimed to identify and analyze the consequences of the Afghan presence in Sistan and Baluchestan province. The research employed a qualitative, applied methodology. The study population consisted of experts and specialists knowledgeable about the topic. Based on the theoretical saturation point, 13 semi-structured interviews were conducted. The data were analyzed using content analysis, resulting in the identification of 4 main components, 15 sub-components, and 59 indicators. Consequently, the main consequences of the Afghan presence in Sistan and Baluchestan province can be categorized into four areas: socio-cultural, economic, political-security, and demographic changes. It is important to note that managing the consequences of the Afghan presence requires appropriate management and policy-making. To reduce tensions and optimally benefit from the advantages of their presence, social, economic, and cultural integration programs are necessary, along with strengthened security and border control.

Keywords: Afghan Nationals; Socio-Cultural Consequences; Economic Consequences; Political-Security Consequences; Demographic Consequences; Sistan and Baluchestan Province.

1. Corresponding author: Assistant Professor, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran
abamiri75951535@ihu.ac.ir

Cite this Paper: Citation: Amiri, Abolfazl. (1404). Consequences of foreign nationals settling in Sistan and Baluchestan Province (Case Study; Afghan Nationals). Crisis Management Studies, 17(2), 105-143.

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0).



مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰
صص: ۱۴۳-۱۰۵

شابا چاپی: ۳۵۶۴-۲۰۰۸
الکترونیکی: ۵۲۵۸-۲۶۴۵



پیامدهای سکنی گزینی اتباع خارجی در استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی: اتباع افغانستانی)

ابوالفضل امیری^۱

چکیده

سیستان و بلوچستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و مرزی با افغانستان، از بزرگترین سکونت گاههای مهاجران و پناهندگان افغانستانی می باشد. این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل پیامدهای حضور اتباع افغانستانی در این استان انجام شده است. روش تحقیق در این پژوهش به لحاظ هدف کابردی و به لحاظ اجرا کیفی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش، خبرگان و کارشناسان متخصص و آگاه به موضوع مهاجرین افغانی بوده است که با توجه به اشیاع نظری با ۱۳ نفر از نمونه آماری مصاحبه اکتشافی انجام گردید. نتایج و اطلاعات بدست آمد با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت تعداد ۴ بعد اصلی، ۱۵ مولفه و ۵۹ شاخص احصا و تدوین گردید، در این پژوهش پیامدهای اصلی حضور مهاجرین افغانی در استان سیستان و بلوچستان در ۴ مقوله اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی و تغییرات جمعیت شناختی دسته بندی گردید. یافته های تحقیق بیانگر این است که کنترل پیامدهای حضور مهاجرین افغانستانی نیازمند مدیریت و سیاست گذاری مناسب برای کاهش تنش ها و بهره برداری بهینه از مزایای حضور مهاجرین افغانستانی می باشد، بنابراین مدیریت پیامدهای سکنی گزینی اتباع خارجی در استان سیستان و بلوچستان بویژه اتباع افغانستانی نیازمند مدیریت بهینه در برنامه های فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی و تغییرات جمعیتی می باشد که تقویت امنیت و کنترل مرزها از اهمیت بیش تری برخوردار است.

کلیدواژه ها: سکنی گزینی، اتباع افغانستانی، پیامدهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی و جمعیت شناختی

^۱ نویسنده مسئول: استادیار، دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران
abamiri75951535@ihu.ac.ir

^۱ نویسنده مسئول: استادیار، دانشگاه جامع امام حسین^(ع)، تهران، ایران

استناد: امیری، ابوالفضل. (۱۴۰۴). پیامدهای سکنی گزینی اتباع خارجی در استان سیستان و بلوچستان (مطالعه موردی: اتباع افغانستانی). مطالعات مدیریت بحران، ۱۷(۲)، ۱۴۳-۱۰۵.

DOR: <https://dorl.net/dor/20.1001.1.27173674.1403.5.1.1.3>

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسنده گان



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مسائلی که کشور ایران را طی دهه‌های اخیر درگیر ساخته است، مهاجرت بی‌رویه اتباع بیگانه (به ویژه افغان‌ها) به کشور بویژه به استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت مهاجران افغان قانونی ساکن ایران برابر با ۱,۵۸۳,۹۷۹ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) گرچه بر اساس آمارهای غیر رسمی منتشر شده در سال ۱۴۰۳ آمار مهاجران افغانستانی در کشور رقمی بالغ بر ۸ میلیون نفر گزارش شده است و یکی از چالش‌های مهم کشور می‌باشد. محقق در مقاله حاضر به دنبال بررسی پیامدهای سکنی‌گزینی اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. استان سیستان و بلوچستان به علت همجواری با مرز، از جمله مناطقی است که در دهه‌های اخیر با هجوم و حضور حجم بسیاری از مهاجرین غیر مجاز افغانستانی مواجه بوده است. شمال این استان، به خصوص منطقه سیستان، از گذشته دارای تعاملات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متعددی با کشور افغانستان بوده است و ورود و اقامت غیر مجاز اتباع خارجی و به خصوص افغان‌های ساکن شهر زابل در سالهای اخیر منجر به بروز مشکلات و معضلات بی‌شماری برای استان شده اند، تولید انبوه مواد مخدر در افغانستان و ضرورت حمل آن به بازار مصرف در اروپا، استان سیستان و بلوچستان را به گذرگاه عبور کاروانهای مواد مخدر تبدیل نموده و افغانه ساکن در زابل و آشنا با منطقه این امر را تسهیل کرده و می‌کنند. از طرفی حضور و تجمع مهاجران افغانی در ترکیب جمعیتی استان، تغییرات قابل توجهی را در بافت جمعیتی استان موجب داشته اند، طوری که رشد قابل توجه جمعیت سنی نشین نسبت به شیعیان در استان در حال افزایش است و از لحاظ فرهنگی و امنیتی یکی از چالش‌های مهم منطقه و کشور می‌باشد. از طرفی این رشد جمعیت، سبب افزایش ناهنجاری‌های مختلف اجتماعی شده است و شاهد مواردی از قبیل دزدی، گسترش فساد، افزایش آمار اعتیاد، ایجادشغل‌های کاذب و... در منطقه می‌باشیم. از سوی دیگر بسیاری از کمبودهای فرهنگی و آموزشی افغانه در مواجهه با مردم استان، اثرات نامطلوبی بر کارکردهای فرهنگی گذاشته است. این در حالی است که تجاوز مهاجران به ارزشها و هنجارهای فرهنگی جامعه، باعث نارضایتی بخش قابل توجهی از مردم استان شده است. از

معضلات اساسی دیگر که نه تنها در استان سیستان و بلوچستان، بلکه متأسفانه در کل کشور ایجاد شده است، ازدواج مردان افغانی با زنان ایرانی و عدم ثبت رسمی و قانونی آنها است که نتیجه این ازدواجها، به دنیا آمدن هزاران فرزند سرگردان و بی هویت در جامعه ایرانی است. لذا نداشتن وضعیت حقوقی روشن این قشر از زنان، مسئله خروج افغانها چه به صورت رسمی و چه غیر مجاز و بلا تکلیفی همسران آنها، از پیامدهای فرهنگی و امنیت اجتماعی حضور افغانه در این استان می باشد که در طول زمان، هویت ملی مردم منطقه سیستان و بلوچستان که از مؤلفه های مهم امنیت فرهنگی منطقه است را نشانه گرفته است (سعیدی و میر لطفی، ۱۳۹۹). از حیث امنیت اقتصادی، حضور اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان، تبعاتی را به دنبال داشته و اقتصاد استان را به مخاطره انداخته و سطح رفاه و معیشت مردم را مورد هدف قرار داده است. در حالت کلی، وجود مهاجران افغانی، محدودیتهایی برای استان به وجود آورده و اگر جمعیت مهاجران مجاز و غیر مجاز حاضر در استان کنترل نگردد هزینه های قابل توجه و غیر قابل جبرانی را در رابطه با مسکن، آموزش، بهداشت، تأسیسات حمل و نقل و ارتباطات، محیط زیست و نظایر آن بر مردم استان تحمیل می کند. از مصادیق دیگر، به کار گیری اتباع افغانستانی با دستمزد کمتر و البته فعالیت بیشتر در مشاغل مختلف و حتی در کارخانه ها و مشاغل صنعتی و نیمه صنعتی است که متأسفانه این موضوع باعث رشد بیکاری و از بین رفتن فرهنگ کار در استان گردیده است. به طوری که امروزه مشاهده می شود علی رغم افزایش جمعیت جوان و بیکار در استان متأسفانه علاقه ای به مشاغل خرد و سخت و حتی در حوزه کشاورزی و خدماتی در مردم بومی استان مشاهده نمی شود و بعضاً بابت اجرای بخشی از پروژه های عمرانی در مناطق جنوبی استان مجبور به استفاده از کارگران غیر بومی مناطق غربی کشور می شویم. بنابر این بخاطر پیشرفت همه جانبه استان سیستان و بلوچستان با توجه به وسعت زیاد و همسایگی با دو کشور افغانستان و پاکستان و نیاز های روز افزون اقتصادی همسایگان ما در شرق کشور و همچنین شرایط سیاسی آنها و با توجه به مسائل امنیتی در این کشورها، خصوصاً فعالیت بیش از ۲۰ سرویس امنیتی متخاصم در جنوب شرق کشور می طلبد که با حفظ هوشیاری و توجه کامل به مسائل استان و همچنین اتخاذ تصمیمات صحیح و راهبردی در مجموعه کلان کشور و بررسی دقیق و موشکافانه مشکلات و پیامدهای مهاجرت افغانها در استان و کشور تصمیماتی کلان و مناسبی اتخاذ گردد، بنابراین،

هدف این پژوهش، بررسی پیامدهای حضور افغانه در استان سیستان و بلوچستان و مطالعه پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، امنیتی، اقتصادی، و تغییرات جمعیتی در سطح استان می باشد.

تعاریف و ادبیات

سکنی گزینی

سکنی گزیدن، در صلح و آرامش قرار گرفتن، یعنی در صلح و صفا ماندن، در درون امر آزاد یا در حریم آزادی است که از چیزی مطابق با ماهیت اش حراست می کند. خصیصه اساسی سکنی گزیدن همین آسیب نرساندن و حراست است» (هایدگر: ۱۳۷۷). هایدگر نشان می دهد که سکنی گزیدن صرفاً بودن در جایی نیست؛ بلکه احساس تعلق به مکان، روابط مراقبت آمیز، مداخله نکردن در طبیعت، خاطرها داشتن، روابط همدالنه و در جوار هم بودن است که سکنیگزیدن را ممکن می سازند (قلی پور و ... ۱۳۹۶).

سکنی گزینی به عنوان فرایند انتخاب محل زندگی سابقه طولانی در تاریخ بشر دارد، انسانها از بدو تاریخ به دنبال مکانهایی برای زندگی بوده اند که نیازهایشان را برآورده کند، در گذشته عوامل مختلفی مانند آب، غذا، امنیت و پناهگاه در انتخاب محل سکونت نقش داشتند و با گذشت زمان و پیچیده تر شدن جوامع عوامل خدمات بهداشتی و درمانی و کیفیت زندگی نیز در انتخاب محل سکونت اهمیت پیدا کردند (مسی و دنتون، ۱۹۸۸).

اتباع خارجی

مقصود از اتباع خارجی، موضوع ماده ۱۸۰ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی فرهنگی که از این پس قانون نامیده می شود، افرادی هستند (گذرنامه - پناهنده - مهاجر - آواره) که تابعیت کشور جمهوری اسلامی ایران را ندارند و تحت عناوین پناهنده، آواره، مهاجر و دارنده گذرنامه متقاضی ورود به کشور جمهوری اسلامی ایران هستند و تابعیت خارجی آنها مورد قبول دولت جمهوری اسلامی ایران است.

نظریه های سکنی گزینی

نظریه های مختلفی در مورد سکنی گزینی وجود دارد. برخی از این نظریه ها بر عوامل اقتصادی تمرکز دارند، در حالی که برخی دیگر بر عوامل اجتماعی و فرهنگی تمرکز دارند (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲). لذا برخی از مهم ترین نظریه ها در خصوص سکنی گزینی به شرح ذیل می باشد.

نظریه جاذبه

این نظریه بیان میکند که افراد به مکان هایی مهاجرت میکنند که جاذبه های بیشتری برای آنها دارند. این جاذبه ها می توانند شامل فرصت های شغلی، امکانات آموزشی، خدمات بهداشتی و درمانی و کیفیت زندگی باشد (عباسی و محمدی، ۱۳۹۲).

نظریه دفع

این نظریه بیان می کند که افراد از مکان هایی مهاجرت می کنند که عوامل دافعه ای مانند بیکاری، نا امنی، جنگ، آلودگی و کیفیت پایین زندگی در آنها وجود دارد (همان، ۱۳۹۲).

نظریه شبکه اجتماعی

این نظریه بیان می کند که افراد به مکان هایی مهاجرت می کنند که شبکه های اجتماعی قوی تری در آنها فعالیت می کنند و وجود دارد. این شبکه ها کی توانند شامل خانواده، دوستان، همکاران و هموطنان باشند (مک کینز^۱، ۲۰۱۳).

عوامل موثر بر سکنی گزینی

عوامل متعددی بر سکنی گزینی افراد و خانوارها اثرگذار هستند، این عوامل می توانند در دو دسته عوامل کششی و عوامل رانشی تقسیم شوند (پاکزاد، ۱۳۷۰).

عوامل کششی

فرصت های شغلی: افراد به دنبال مکان هایی هستند که فرصت های شغلی مناسب با مهارت ها و تخصص آنها وجود داشته باشد.

1. Mckenzie

امکانات آموزشی: خانواده ها به دنبال مکان هایی هستند که امکانات آموزشی مناسب برای فرزندان شان وجود داشته باشد.

خدمات بهداشتی و درمانی: افراد به دنبال مکان هایی هستند که به خدمات بهداشتی و درمانی با کیفیت دسترسی داشته باشند.

کیفیت زندگی: افراد به دنبال مکان هایی هستند که کیفیت زندگی مطلوبی داشته باشد. این کیفیت شامل مواردی مانند امنیت، سلامتی، محیط زیست، امکانات تفریحی و فرهنگی و ... می باشد (پاکزاد، ۱۳۷۰).

عوامل رانشی

بیکاری: افراد از مکان هایی که فرصت شغلی مناسب وجود ندارد اغلب مهاجرت می کنند و به سمت مکان های با فرصت شغلی بیشتر مهاجرت می کنند.

نا امنی: افراد از مکان هایی که در آن احساس امنیت وجود ندارد و در آن احساس نا امنی وجود دارد و امنیت شغلی، جانی و خانوادگی آنها مورد تهدید قرار می گیرد مهاجرت می کنند.

آلودگی: افراد از مکان هایی که دارای آلودگی هوایی یا آب و خاک وجود دارد، مهاجرت می کنند.

کیفیت پایین زندگی: افراد از مکان هایی که کیفیت زندگی پایین است، مهاجرت می کنند (پاکزاد، ۱۳۷۰).

براساس جدیدترین آمار (مردادی، ۱۴۰۰) پراکندگی کشوری اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی در جدول زیر آمده است.

جدول ۲. پراکندگی کشوری اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی

اداره کل	اصلی	مجموع تبعی	مجموع اصلی و تبعی
آذربایجان شرقی	۱۸	۲۷	۴۵
آذربایجان غربی	۱	۱	۲
اصفهان	۳۴۱۳	۳۳۹۱	۶۸۰۴
ایلام	۱	۴	۵

جدول ۲. پراکندگی کشوری اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی

اداره کل	اصلی	مجموع تبعی	مجموع اصلی و تبعی
بوشهر	۴۴۰	۵۸۴	۱۰۲۴
چهارمحال و بختیاری	۱۱	۲	۱۳
خراسان رضوی	۲۱۷۰	۲۲۲۹	۴۳۹۹
خوزستان	۵۶	۷۵	۱۳۱
زنجان	۴	۶	۱۰
سمنان	۱۶۶۹	۲۸۲۵	۴۴۹۴
سیستان و بلوچستان	۷۶	۱۳۶	۲۱۲
شهرستانهای استان تهران	۱۱۶۴۴	۱۱۴۴۴	۲۳۰۸۸
فارس	۹۱۶	۹۴۳	۱۸۵۹
قزوین	۵۷۱	۷۹۴	۱۳۶۵
قم	۱۳۲۱	۱۵۴۷	۲۸۶۸
کردستان	۱	۰	۱
کرمان	۲۷۷۸	۲۴۲۵	۵۲۰۳
کرمانشاه	۳	۱۷	۲۰
کهگیلویه و بویراحمد	۶	۹	۱۵
گلستان	۱۳۵	۲۵۹	۳۹۴
گیلان	۳۵	۷۷	۱۱۲
لرستان	۵	۵	۱۰
مازندران	۲۸۶	۱۹۵	۴۸۱
مرکزی	۱۰۸۲	۱۲۴۹	۲۳۳۱
هرمزگان	۳۱۰	۵۰۹	۸۱۹
همدان	۷	۱۴	۲۱

جدول ۲. پراکندگی کشوری اتباع افغانستانی تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی

اداره کل	اصلی	مجموع تبعی	مجموع اصلی و تبعی
یزد	۱۵۵۷	۲۱۴۵	۳۷۰۲
خراسان شمالی	۹	۲۱	۳۰
خراسان جنوبی	۱۳۷	۳۹۱	۵۲۸
البرز	۱۶۱۹	۲۰۴۸	۳۶۶۷
شرق تهران بزرگ	۲۹۸۸	۳۹۲۰	۶۹۰۸
غرب تهران بزرگ	۱۳۱۰	۱۷۱۳	۳۰۲۳
جمع کل	۳۴۵۷۹	۳۹۰۰۵	۷۳۵۸۴

در استان های کردستان، آذربایجان غربی، ایلام، زنجان و لرستان به دلیل اینکه براساس لیستی که توسط اداره کل امور اتباع و مهاجرین وزارت کشور هر سال اعلام می گردد جزو استان های ممنوعه برای حضور اتباع افغانستانی محسوب می شوند کمترین تعداد افراد تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی را دارا می باشند و استان تهران بیش از دو سوم اتباع افغانستانی تحت پوشش را در اختیار دارد که نشانگر تجمع و تمرکز حضور مهاجران افغانستانی در پایتخت است که قطعاً مخاطرات جدی امنیتی-اجتماعی و اقتصادی در پی خواهد داشت.

پیامدهای اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان

۱- پیامدهای امنیتی

با توجه به ضرورت تأمین و حفظ امنیت در ابعاد داخلی و خارجی همیشه یکی از اولویتهای دولتها در سیاستهای داخلی و خارجی توجه به این موضوع بوده است. زیرا دولتها معمولاً با دو نوع تهدید روبرو هستند. ۱- تهدید از درون مرزهای جغرافیایی و داخل کشور ۲- تهدیدات بیرونی و خارج از کشور البته هر دو نوع تهدید مرتبط و مکمل یکدیگر هستند و امنیت ملی را تهدید می کنند. تأثیر تهدیدهای خارجی بر امنیت ملی یک کشور در مواقعی که آن کشور دچار تهدیدهای داخلی نیز باشد، بسیار افزایش می یابد. عوامل تهدید کننده داخلی امنیت با حضور اتباع بیگانه از

مهمترین خطرهای برای امنیت ملی به شمار می آید که رفع آنها تنها با چاره اندیشی و اتخاذ سیاستهای اقتصادی مناسب توسط مسئولان کشور میسر می باشد. اگر آرامش و ثبات سیاسی و امنیت در کشوری برقرار باشد و یا بالعکس جنگ و ناآرامی حاکم باشد کشورهای همسایه خود را تحت تاثیر قرار خواهد داد و تهدیداتی را برای آنان به وجود خواهد آورد. بیش از دو دهه جنگ و درگیری داخلی در افغانستان موجب مهاجرت خیل عظیم مردم این کشور به کشورهای همسایه از جمله ایران شد و با توجه به از بین رفتن ساختار اقتصادی این کشور در طول جنگهای داخلی و حمله آمریکا و متحدانش به افغانستان امکان بازگشت مهاجران افغانستانی مستقر در ایران در آینده ای نزدیک به کشورشان وجود ندارد. ضمن اینکه یکی از عوامل تشدید بیکاری، هم اکنون دامنگیر اقتصاد ایران است، اشغال فرصت های شغلی توسط مهاجران خارجی است. لذا تاثیر مهاجرت افغانستانیها به ایران و به خصوص استان سیستان و بلوچستان بر ابعاد مختلف سیاسی و امنیتی به شرح ذیل می باشد؛

۲- پیامدهای سیاسی

امنیت سیاسی؛ ناظر بر ثبات سازمانی دولت ها، سیستم های حکومتی و ایدئولوژی هایی است که به آنها مشروعیت می بخشد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می گیرد. این تحرک باید به تغییر محل اقامت معمولی فرد از مبدا یا محل اقامت قبل از مهاجرت وی به مقصد یا محل اقامت جدید بیانجامد. با این تعریف بیش از سه دهه است که ایران، پاکستان و... پذیرای مهاجران افغانی می باشند. مهاجرت این گروه نوعی مهاجرت اضطراری یا اجباری ناسالم توأم با تخریب است. حرکتهای مهاجرتی افغانها در طی سه دوره اتفاق افتاده است: حمله شوروی سابق به افغانستان در سال ۱۹۷۹، جنگ های داخلی، و روی کار آمدن رژیم طالبان. این بدین معنی است، که یک تقارن زمانی معناداری بین بحران در افغانستان و افزایش حجم مهاجرت مدام وجود داشته است، بنابراین در هر برهه ای مهاجرین حامل میزانی از بحران سیاسی بوده و بدین صورت در گسترش بحران نقش انتقال دهنده را ایفا نموده اند. در هر دوره شمار زیادی از مردم این کشور به سرزمین های مجاور و همسایه از جمله ایران پناهنده شدند. پژوهشگران معتقدند این نوع حرکت های

مکانی نوعی مهاجرت بین المللی است. یکی از مسایلی که در مورد این گروه از مهاجران مطرح می شود بحث سازگاری یا عدم انطباق با جامعه ی ایرانی از نظر فرهنگی است. از لحاظ اقتصادی و به دلیل پایین بودن مهارت های تحصیلی و شغلی این مهاجران آنچنان که باید نتوانسته اند ارتقا چندان در سازگاری با فرهنگ و جامعه ایرانی داشته باشند (لهسایی زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۳). به نظر می رسد مشکلات ناشی از وجود این مهاجران قانونی و غیرقانونی، مدیریت و کنترل حضور آنها و مباحثی مانند نگرش کشور میزبان به آنها و بحث بازپس فرستادن آنها و... باعث شکل گیری یک منشأ اضطراب سیاسی در روابط افغانستان با سایر همسایگانش باشد، که ایران نیز از این تبعات سیاسی و امنیتی استثناء نیست. تحقیقاتی که توسط سازمان ملل انجام شده است نشان می دهد از زمانی که دولت ایران خط مشی درهای باز را به سمت رویکرد اعمال محدودیتهای شدید در مورد مهاجران افغانی به کار برده است، این سیاست گذاری ها چندان موفقیت آمیز نبوده اند، بلکه تنها باعث گسترش شبکه های قاچاق انسان و افزایش ناامنی ها و تنش هایی در مرزهای بین دو کشور بوده است، که در نتیجه آمارهای مربوط به این مهاجران غیرشفاف تر شده است (همان: ۱۹). از دیگر جانب، ایدئولوژی متفاوت مهاجران و کشور میزبان می تواند آن را تهدید سیاسی برای کشور میزبان تلقی گردد (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۱). ایدئولوژی هایی نظیر بنیاد گرایی، طالبانسم و ... عمدتاً از سوی افغان ها کشور ما را تهدید می کند.

۳- پیامدهای امنیت اجتماعی

امنیت اجتماعی؛ به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول و تعالی مربوط است (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۲۴). مفهوم امنیت اجتماعی برای اولین بار و به مفهوم فنی کلمه در سال ۱۹۹۳ توسط اندیشمندانی چون باری بوزان^۲ ال و یور^۳ و لمیتر^۴ تحت عنوان مکتب کپنهاگ مطرح گردید. انگیزه طرح این عبارت امواج تهدید آمیزی بود که هویت گروه ها را در معرض خطر قرار داده بودند (پور جلیلی، ۱۳۹۲: ۴۱). در روابط بین کشورها، تهدیدهای خارجی بر روی سطوح اجتماعی اغلب از تهدیدات نظامی و سیاسی خطرناک تر اند مهاجران غیرقانونی مرتکب جرایم اجتماعی زیادی از جمله قاچاق مواد مخدر، تجاوز جنسی، شرارت های خیابانی و نظایر آن می گردند، حتی خیلی از مهاجران برای کار

مهاجرت نمی کنند، بلکه مجرمانی هستند که برای فرار از مجازات از کشور خود گریخته اند (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۱: ۱۸)

از آنجا که مهاجرین افغانی عموماً بی سواد و غیر ماهر هستند و به صورت غیرقانونی در ایران کار می کنند (کرمی، ۱۳۸۳: ۵۹) از طرفی دیگر، با کارگران غیر ماهر مهاجر در کشورهای مهاجرپذیر غالباً با اهانت برخورد می شود، زیرا به نظر می رسد که هزینه های این گونه مهاجرین بیش از منافع ناشی از حضور آنان است. همواره این سوء ظن وجود دارد که بخش قابل توجهی از مشکلات اجتماعی کشورهای مهاجرپذیر ناشی از وجود کثیری از مهاجران کم سواد و بی تخصص است. بنابراین به نظر می رسد از بعد اجتماعی و هویتی، جامعه ی مهاجرین نتوانسته تأثیراتی از خود بر جای نهد. اما در مقایسه با سایر کشورهای همسایه افغانستان، ایران به دلایل عدیده منشأ تغییرات هویتی در جامعه مهاجرین بوده است. برخلاف پاکستان که بیشتر پناهندگان افغانی آن جا در اردوگاه ها به سر می برند و جز راه و رسم زندگی خود، شیوه دیگری را تجربه نمی کردند، سکونت افغان ها در میان ایرانیان، اختلاط فرهنگی ای را موجب شد که در پی آن افغانها به طور خواسته یا اجباری در بسیاری از آداب و رسوم و حتی پوشش ظاهری خود تجدید نظر کردند. اشتراک زبانی یکی از مهمترین دلایل این اختلاط بوده است. در ایران نتیجه این اختلاط به همراه آموزش، تضعیف پیوندهای قومی - قبیله ای و خانوادگی و شکل گیری هویت های مدرن تر بوده است (صادقی، ۱۳۸۶: ۱۷) از این منظر می توان اذعان داشت که با توجه به پیوندهای شکل گرفته بین هویت ایرانی و هویت مهاجرین یا به عبارت دیگر تحت تأثیر قرار گرفتن هویت مهاجرین به وسیله هویت ایرانی، در صورت بازگشت این مهاجرین به کشور افغانستان، شرایط توسعه نفوذ ژئوکالچری ایران تسهیل می گردد (زرقانی و موسوی، ۱۳۹۲: ۱۹)

۴- پیامدهای امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی؛ مصونیت فرهنگی فرد و جامعه از هرگونه تعرض و تهدید است. و به عبارت دیگر ایجاد وضعیتی مطمئن، آرامبخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض که انسان نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها و ارزشها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و... تدارک دیده است. بر اساس این تعریف معنای عینی امنیت فرهنگی، فقدان تهدید میراث فرهنگی و آثار و

ارزش های کسب شده و معنای ذهنی آن فقدان ترس از هجمه ها و حمله هایی است که ارزشها، آداب و رسوم، اعتقادات و باورها را در معرض خطر استحاله یا نابودی قرار می دهد. امام خمینی (ره) در این باره می فرمایند: «بی شک والاترین و بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساسا فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می دهد.» مقام معظم رهبری نیز می فرمایند: «جا دارد در برنامه پنج ساله دوم به مسائل فرهنگی اهتمام مضاعفی بکنند اگر چه مسائل اقتصادی مهم است و مسائل صنعتی و کشاورزی بسیار حائز اهمیت است اما به ظن قوی همه اینها بدون اهتمام به مسائل فرهنگی ناکام خواهد شد» (اسلامی، ۱۳۸۹: ۱۶۵) بنابراین یکی از شاخص های اصلی مورد مطالعه در ابعاد فرهنگی حضور افغانه تاثیرپذیری و تاثیرگذاری آنها در بخش فرهنگ است.

موضوع مهاجران افغانی در ایران شایان ذکر است که تضعیف هویت به عنوان اصلی ترین مبنای امنیت فرهنگی از پیامدهای تهدیدآمیز این واقعه می باشد که در طول زمانی نه چندان کوتاه از پتانسیل مبدل گشتن به موضوعی امنیتی نیز برخوردار است. در این بین ازدواج مردان افغانی با زنان ایرانی و عدم ثبت رسمی و قانونی آن و در نتیجه به دنیا آمدن هزاران فرزند سرگردان و بی هویت در جامعه ی ایرانی، نداشتن وضعیت حقوقی روشن این قشر از زنان، مسأله خروج افغانها از ایران و بلاتکلیفی همسران ایرانی آنها و بسیاری معضلات اجتماعی و حقوقی دیگر، از بازتابهای این اقدام مهاجرین می باشد که در طول زمان هویت ملی ایران که از مؤلفه های ارجح امنیت فرهنگی می باشد را نشانه گرفته است. چرا که فرزندان متولد شده از این ازدواج ها نیز، دارای مدارک هویت ایرانی نبوده و بلاتکلیف در جامعه رها می شوند. صدور شناسنامه، تحصیل، اشتغال، خدمت وظیفه، اخذ گواهینامه رانندگی و ده ها مسئله اجتماعی دیگر، از جمله مشکلات این خیل نه چندان کم است. هم چنین مهاجرین افغانی می توانند بر امنیت بهداشتی شهروندان ایرانی تأثیرات منفی داشته باشند. به عنوان مثال، علت بالا بودن نسبی موارد مالاریا در بین افغانه ناشی از شیوه زندگی آنها و عدم توجه به روش های پیشگیرانه از انتقال مالاریا می باشد و این مهاجرین ارتباط ضعیفی با مراکز بهداشتی - درمانی دارند که این امر نیز در درمان به موقع کامل بیماری اهمیت زیادی خواهد داشت (علیپور، ۱۳۹۲: ۱۶۰)

۵- پیامدهای جمعیت شناختی

یکی از مهمترین مواردی که در تحلیل موقعیت جامعه مهاجران راهگشاست، بررسی توزیع و الگوی پراکندگی در استان سیستان و بلوچستان است. توزیع پراکندگی و ترکیب جمعیتی اتباع افغانستان در سطح استان سیستان و بلوچستان تابع امکانات و فرصت های شغلی و تابع ساختار اجتماعی و فرهنگی، و سهولت دسترسی و دروازه ورود به کشور ایران و سپس پراکنده شدن در سایر استانها است که این امر موقعیت استان سیستان و بلوچستان را در این خصوص منحصر به فرد ساخته است.



شکل ۱. تقسیمات کشوری استان سیستان و بلوچستان

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی حدود ۵۰۲۱۸۷ کیلومترمربع، در جنوب شرقی ایران و در مختصات جغرافیایی ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۸ دقیقه عرض شمالی و ۵۸ درجه و ۴۷ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۹ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این استان پهناور در سمت شرق با کشور پاکستان ۹۰۰ کیلومتر و با کشور افغانستان ۳۰۰ کیلومتر مرز مشترک دارد؛ در قسمت جنوب با دریای عمان به طول تقریبی ۲۷۰ کیلومتر مرز آبی دارد و از قسمت شمال و شمال غرب با استان

خراسان به طول ۱۹۰ کیلومتر و در قسمت غرب با استان کرمان به طول ۵۸۰ کیلومتر و با استان هرمزگان به طول ۱۶۵ کیلومتر همجوار است.

پیامدهای جمعیت شناختی حضور اتباع افغانستانی در استان می تواند مهمترین تهدید امنیتی حضور اتباع افغانستانی در کل کشور و به طور خاص در استان سیستان و بلوچستان بر اساس موقعیت استراتژیک استان باشد. لذا بسیاری از مهاجران به دلیل بالا بودن هزینه دریافت ویزا و هزینه سفر هوایی به ایران از مسیر غیررسمی وارد کشور می شوند. که این امر بعد از تحولات سیاسی تابستان ۱۴۰۰ و قدرت گیری طالبان در نظام سیاسی افغانستان و بعد از خروج نیروهای غربی از این کشور و همچنین سیاست رسمی کشور در قبال مهاجران افغانستانی و بسته نگاه داشتن ورودی های قانونی مرزهای شرقی بوده است که با توجه به این شرایط مسیر غیرقانونی ورود به کشور و استان انتخاب اکثر این مهاجران بوده است؛ که در این خصوص بررسی های میدانی و گزارشات رسانه ای نیز نشان می دهد که بازار افغانی کشی به صورت گسترده تری در جریان قرار گرفته است و افراد فاقد مدرک هویتی که از شرایط پیش آمده در افغانستان فرار می کنند به شکل های گوناگون در حال ورود غیرقانونی به ایران و استان سیستان و بلوچستان به عنوان یکی از مقاصد اصلی هستند و از آنجا که مراکز اسکان رسمی از سوی دولت ایران مشخص نشده است این افراد به محض ورود به داخل خاک ایران خود را به نزدیکترین شبکه داخل کشور می رسانند که استان سیستان و بلوچستان به دلیل تجمع اتباع افغانستانی و شکل گیری شبکه های خویشاوندی گسترده، از مهمترین مقاصد این افراد می باشد. از منظر اقتصاد سیاسی نیز، می توان اذعان داشت که ورود و خروج غیرقانونی مهاجران افغانستانی از مرزهای شرقی و ورود به استان نه فقط محمل آسیب های اجتماعی-امنیتی است بلکه نیروی محرکه کلیدی در اقتصاد زیرزمینی استان نیز است.

پیشینه پژوهش

اگرچه موضوع مهاجران افغانستانی مقیم ایران جایگاه مناسبی در تحقیقات دانشگاهی ایران به ویژه در دهه اخیر داشته است اما بررسی این تحقیقات نشان می دهد که ادبیات تولید شده وجوه متعددی را در برمی گیرد که گاه کارایی لازم را برای تبیین موقعیت‌مندی مهاجران افغانستانی ساکن ایران از دست می دهد. مهاجرت های بین المللی به عنوان موضوعی بین رشته ای، از

نظرگاه های مختلف جمعیت شناسی (عباسی شوازی و صادقی ۱۳۸۸)، انسان شناسی (میرزایی ۱۳۹۲)، جامعه شناسی (نصر اصفهانی ۱۳۹۷) و اقتصادی (حسن نژاد ۱۳۹۸) مورد مذاقه قرار گرفته است. تجربه تغییرات هویتی زنان مهاجر هزاره در کشور آلمان (سعیدی ۲۰۱۸)، تجربه مهاجرت به وسیله شبکه های قاچاق در کشورهای ترانزیت (سعیدی ۱۳۹۷)، تاثیر در مهمترین قانون ایران در مورد مهاجران خارجی، "قانون راجع به ورود و اقامت اتباع خارجه در ایران" که در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ تصویب شده از واژه بیگانه استفاده نشده است اما در آیین نامه اجرایی این قانون (آیین نامه اجرایی قانون ورود و اقامت اتباع بیگانه) که در سال ۱۳۵۲ تصویب شد و بعد از انقلاب هم بارها مورد تجدید نظر قرار گرفته است اصطلاح اتباع بیگانه ذکر شده است.

زندگی مهاجرانه در ایران بر الگوهای ازدواجی اتباع افغانستانی ساکن ایران (سعیدی ۱۳۹۶) و همچنین تاثیر مهاجرت بر تغییر الگوهای خوراک مهاجران افغانستانی (سعیدی ۱۳۹۵)، تجربیات مهاجران افغانستانی در بحران کرونا (سعیدی ۱۳۹۹ الف) و تحلیل جنسیتی وضعیت دانشجویان افغانستانی در آموزش عالی ایران (۱۳۹۹ ب) نمونه هایی از تحقیقات میدانی نگارنده در سال های اخیر می باشد که به دنبال فهم موقعیت اتباع افغانستانی ساکن ایران بوده است.

زند رضوی (۱۳۹۹) تجارت افغانی کشی را که به معنای ورود غیرقانونی هر کارگر روزمرد از کشور افغانستان تا رسیدن به مقصد برای فروش نیروی کار می داند مولد چرخش مالی انبوهی می داند که به فربه شدن شبکه های مافیایی در بازه "اخراج از مرز قانونی و ورود غیرقانونی" منجر شده و در سال ۱۳۹۵ سالانه حداقل ۶۰۰ میلیارد تومان گردش مالی برای آن تخمین زده شده است. کارگزاران این شبکه که مصداق بارز قاچاق انسان است شامل صاحبان سرمایه در کشورهای فرستنده، رانندگان فوق حرفه ای، راه بلد ها، رابطه ها، کارفرمایان در کشور مقصد و ماموران دولتی می باشند.

در پژوهش کیفی توبر (۲۰۰۷) در خصوص مهاجران افغانستانی در اصفهان، از نظر شهروندان ایرانی "بزرگترین مشکل بهداشتی تعداد زیاد افغانی" است و همراستا با این مطالعه، در پیمایش نصر اصفهانی (شرق ۱۳۹۹) در حدود ۴۳ درصد از پاسخگویان^{۵۲} افغانستانی ها را متعلق به نژادی دیگر می دانند، ۲۸ درصد از افراد مشارکت کننده ازدواج میان ایرانی و افغانستانی را عامل "آلودگی نژادی" می دانند و ۴۴ درصد از تهرانی ها با جداسازی فضایی مهاجران موافق هستند که

به نوعی به نظر می‌رسد در مواردی جامعه میزبان با نگاه سلسله مراتبی و با منش فاصله گرفتن^{۵۳} درصدد تمایزسازی و نگاه سلسله مراتبی بر دیگران است.

زندگی ناوگران و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «درک مهاجران از فاصله اجتماعی با ایرانیان: پژوهش کیفی در بین مهاجران افغانستانی» نتیجه می‌گیرند که ۷ مقوله اصلی درک و تفسیر مهاجران از فاصله اجتماعی و فرآیندهای آن عبارتند از: فاصله نهادی، فاصله گذاری رسانه‌ای، فاصله عاطفی، محدود شدن سقف آرزوها، پروبلماتیک تعلق، ترجیح تعاملات درون شبکه‌ای، ازدواج بین‌ملیتی به عنوان یک تهدید و فرصت. مقوله مرکزی «مرزبندی دوسویه» به دست آمد. براساس نتایج، فاصله گذاری اجتماعی با فرآیندهای مرزبندی سروکار دارد و بر مکانیزم‌هایی استوار است که در سه سطح نهادی، ساختاری و نمادین عمل می‌کنند. فرایند فاصله گذاری اجتماعی در بین مهاجران افغانستانی در ایران، مرزبندی دوسویه را به وجود آورده است.

سعیدی و میرلطفی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «اثر ازدواج های ایرانی-افغانستانی بر ابعاد اقتصادی-اجتماعی کیفیت زندگی روستایی در جیرفت» نتیجه می‌گیرند که کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی خانوارهای روستایی زوج های ایرانی-افغانستانی با زوج های ایرانی تفاوت معنی داری دارد نتیجه می‌گیرد که کیفیت اقتصادی-اجتماعی زندگی در خانوارهای روستایی با زوج ایرانی مطلوبتر از خانوارهای روستایی با زوج ایرانی-افغانستانی است.

شیخ غفوری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان تبیین چگونگی غیرامنیتی سازی روابط ایران و افغانستان سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹ نتیجه می‌گیرند که با خارج کردن تدریجی مسائل امنیتی از دایره تنگ نظامی و سیاسی و انتقال سیاست خارجی از لایه های سیاسی امنیتی به لایه های اقتصادی و تجاری، روابط ایران و افغانستان در سطحهای مورد نظر کارگزاران این دو کشور به سمت غیرامنیتی پیش خواهد رفت.

بیات و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «تحلیل داده بنیاد از چالشهای تامین اجتماعی مهاجران ساکن در تهران مورد مطالعه: اتباع مراجعه کننده به اداره کل تامین اجتماعی غرب تهران بزرگ» نتیجه می‌گیرند که پدیده محوری «فقر دانشی از قوانین و خدمات» است. «سلب امتیازات حقوق کارگری، سستی منزلت شغلی و ابهام در وضعیت ماندگاری» هستند. زمینه های

موجود نیز «ناهمسانی در ارائه خدمات بیمه ای، ضعف تمکن مالی مهاجرین و سختگیری قوانین مهاجرتی» هستند که تحت تاثیر شرایط مداخله گر «ضعف عملکرد تامین اجتماعی، حس فرودستی و خودپنداره منفی تبعه بودن» پدیده محوری را متاثر می سازند. نتایج نشان میدهد که توجه به عملکرد سازمانهای ذیربط در جهت رفع تبعیض نسبت به مهاجرین و ارائه بسته های دانشی به منظور ارتقای آگاهی آنها از حقوق و مقررات تامین اجتماعی می تواند بخشی از چالشهای آنها را رفع کند.

عیسی زاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود با عنوان «تاثیر مهاجرت بر آموزش و مهارت های نیروی کار افغانستان: مطالعه موردی مهاجران بازگشته از ایران» نتیجه می گیرند که مهاجرت به کشور ایران بر میزان فراگیری آموزش و مهارتهای نیروی کار افغانستان اثر مثبت و معنی داری دارد. همچنین مهارتهای فراگیری شده توسط مهاجران در بازار کار کشور ایران، سطح سواد مهاجران بازگشته از کشور ایران، فرصتهای فراگیری آموزش و مهارت برای مهاجران در کشور ایران، نوع حرفه مهاجران در کشور ایران و مدت اقامت مهاجران در کشور ایران بر نرخ اشتغال مهاجران بازگشته در بازار کار کشور افغانستان اثر مثبت و معنی داری دارد. اساس یافته های مطالعه، بین نوع حرفه مهاجران در بازار کار کشور ایران و میزان درآمد آنها، قانونی بودن روند مهاجرت و فرصتهای آموزش و مهارت در کشور ایران رابطه معنی داری وجود دارد. همچنین مهاجرت برای خانواده های مهاجر درآمدزا بوده و از مهاجرت به کشور ایران راضی هستند و رضایتشان بر تصمیم مهاجرت دوباره به این کشور تاثیرگذار است.

کشاوری قاسمی و نادرپور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «گونه شناسی هویتی پناهندگان نسل دوم و سوم افغانستانی در ایران با تاکید بر استان قزوین» نتیجه می گیرند که هویت اجتماعی افغانستانی با میانگین ۶۵/۳ نسبت به سایر هویت ها از میانگین نمره بالاتری برخوردار است. نتایج پژوهش نشان داد با توجه به ضعف هویت فردی و تقویت هویت اجتماعی، فرهنگی و ملی افغانستانی در زمینه اجتماعی جامعه مورد مطالعه، فرد پناهنده دریافت صحیحی از معانی محیط یا موقعیت خود نداشته و این موضوع منجر به هدایت فرد به کسب نقش ها و هویت های تازه ای شده است که می توان آن را هویت «افغانستانی - ایرانی» نامید.

غلامی و فلاحی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «مدل سازی ساختاری تحرک اجتماعی بین نسلی مهاجرین افغانستانی (مطالعه موردی: شهر کاشان)» نتیجه می گیرند که شاخص های تقدیرگرایی، اعتماد اجتماعی و سرمایه فرهنگی در تحرک اجتماعی موثر می باشد. تحلیل یافته های منتج از مدل سازی معادلات ساختاری بیانگر این است که از بین شاخص های موردسنجش، شاخص سرمایه فرهنگی ذهنی اکتسابی بیشترین بار عاملی را با وزن ۰.۹۸ در رتبه اول به خود اختصاص داده است. عامل سرمایه فرهنگی ذهنی پس از ذهنی اکتسابی با بار عاملی ۰.۸۵ در رتبه دوم قرار گرفته است. عامل های سرمایه فرهنگی عینی، تقدیرگرایی و اعتماد اجتماعی نیز با بارهای عاملی ۰.۸۲، در مرتبه بعدی قرار گرفته اند. نتایج پس از تحلیل جزئی تر شاخص های مذکور میزان اعتماد به خویشاوندان، میزان مطالعه کتاب، میزان آشنایی با زبان های خارجی، ورزش کردن، تلاش کردن هرکس برای رسیدن به آنچه می خواهد در تحرک بین نسلی مهاجرین افغانستانی در شهر کاشان تشخیص داده شد.

علاالدینی و میرزایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی هری ایران: مطالعه موردی محله هرنندی تهران» نتیجه می گیرند که در بین مهاجران افغانستانی ساختار شغلی خاصی در پیوند با فرصتها و به ویژه اقتصاد غیررسمی محله شکل گرفته است. همچنین، پایداری سکونت این ساکنان هرنندی تا حد زیادی به واسطه خدمات ارائه شده توسط سازمانهای مردم نهاد، امکانات شغلی، هزینههای نسبتاً پایین مسکن و نگاه مثبت بیشتر جامعه میزبان به مهاجران در محله حاصل شده است. درعین حال، حس مسئولیتی در مدیریت شهری در قبال مهاجران افغانستانی ایجاد نشده و در نتیجه چارچوبهای موردنیاز و مناسب با موقعیت آنان نیز در محله صورتبندی و ایجاد نشده است.

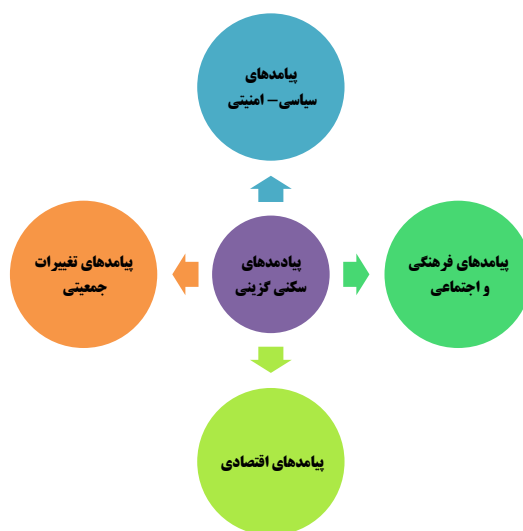
فاضلی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی آسیب های هویتی نوجوانان مهاجران افغانستانی در ایران» نتیجه می گیرد که فرایند هویت یابی فرزندان مهاجر با مشکل اساسی روبه رو است. پس ضرورت جدی دارد که کانون های فرهنگی در محیط مهاجرت براساس قوانین کشور میزبان ایجاد شود و نیاز فرهنگی مهاجران را برآورده کنند.

وثوقی و محسنی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد» نتیجه می گیرند که بیشترین نگرش منفی شهروندان مربوط به متغیر آسیب های اجتماعی میباشد. از نظر پاسخگویان تاثیر مهاجرین در امر آموزش نیز چندان مثبت نمی باشد. در خصوص متغیر مسکن این امر با شدت کمتری مطرح است و ۵۷,۶٪ نگرش منفی دارند. اما نگرش پاسخگویان در زمینه متغیرهای اقتصادی به سمت مثبت میل نموده به نحوی که ۲۸٪ آنان در این زمینه نگرش مثبتی نسبت به مهاجرین خارجی دارند. در مجموع می توان گفت نگرش کلی پاسخگویان به مهاجرین خارجی حدود ۳۲٪ به سمت منفی میل مینماید. نگرش حدود ۶۰٪ مردم نسبت به آنان بی نظر و ۸٪ به سمت مثبت میباشد.

کریمی پور (۱۳۷۹) در پژوهش خود نشان می دهد که کشور افغانستان با ۵۷ منبع تنش و مشاجره پایه ای با همسایگانش تقریباً در قبال هر همسایه، ۱۰ منبع مشاجره فعال یا پنهان دارد که می توان افغانستان را رکورددار منابع پنهان و آشکار مشاجره با همسایگان معرفی کرد و موج های مهاجرتی گسترده به دو کشور ایران و پاکستان را تشدید نموده است.

مدل مفهومی پژوهش

در پژوهش حاضر با بررسی مفاهیم، مبانی نظری مهاجرت و سکنی گزینی و مطالعه مصادیق و چالش ها، پیامدهای فرهنگی اجتماعی، سیاسی و امنیتی، اقتصادی و تغییرات جمعیتی ناشی از مهاجران افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان مدل مفهومی زیر استخراج گردید



شکل ۲، مدل مفهومی پژوهش

یافته های پژوهش

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

ردیف	مشارکت کنندگان	سن	تحصیلات	سابقه کار
۱	مصاحبه شونده اول	۴۹	دکتری	۲۷
۲	مصاحبه شونده دوم	۴۱	دکتری	۲۰
۳	مصاحبه شونده سوم	۴۵	کارشناسی ارشد	۲۳
۴	مصاحبه شونده چهارم	۵۱	کارشناسی ارشد	۲۲
۵	مصاحبه شونده پنجم	۴۲	دکتری	۱۸
۶	مصاحبه شونده ششم	۴۸	دکتری	۲۶
۷	مصاحبه شونده هفتم	۳۹	کارشناسی	۱۸
۸	مصاحبه شونده هشتم	۴۹	کارشناسی	۲۹
۹	مصاحبه شونده نهم	۴۱	دکتری	۲۴
۱۰	مصاحبه شونده دهم	۴۲	کارشناسی ارشد	۲۲
۱۱	مصاحبه شونده یازدهم	۴۱	کارشناسی	۱۸
۱۲	مصاحبه شونده دوازدهم	۳۸	دکتری	۱۵
۱۳	مصاحبه شونده سیزدهم	۵۷	دکتری	۲۶

تحلیل کیفی با رویکرد تحلیل محتوا

فرایند استخراج مؤلفه ها (کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی) از تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده چهار مؤلفه اصلی شامل پیامدهای فرهنگی و اجتماعی؛ پیامدهای اقتصادی؛ پیامدهای سیاسی - امنیتی و پیامدهای تغییرات جمعیتی از دیدگاه نخبگان، پیرامون پیامدهای سکنی گزینی اتباع خارجی افغان در استان سیستان و بلوچستان احصا شد. فرایند استخراج مؤلفه های مورد نظر بر اساس گام های روش تحلیل محتوا صورت گرفت است.

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
پیامدهای فرهنگی و اجتماعی	کاهش کنترل گری فرهنگی و اجتماعی	۱. سازگاری منفعلانه ۲. بی مسئولیتی اجتماعی ۳. بی سازمانی اجتماعی	- هر چقدر زیست غیررسمی اتباع غیرایرانی افزایش یابد امکان کنترل گری امنیتی و اجتماعی نیز بشدت کاهش می یابد و تبعات جبران ناپذیری به همراه خواهد آورد. - شیوه زندگی اکثر اتباع افغانستانی در استان س و ب نشان دهنده "سازگاری منفعلانه" و "بی مسئولیتی اجتماعی" در میان مهاجران نسبت به ارزش ها و هنجارهای جامعه میزبان است که تهدید جدی برای منافع ملی خواهد بود. - مسئولیت پذیری اجتماعی پیش زمینه مهمی برای رفتارهای اجتماعی مطلوب است. - بی سازمانی اجتماعی سبب کاهش تاثیر قواعد اجتماعی موجود جامعه بر رفتار اعضای گروه است و خود کنترلی اجتماعی پایین و گرایش به پیوند با خرده فرهنگ کج رو را به دنبال دارد. - کاهش تعلق اجتماعی به کاهش سطح همبستگی اجتماعی و ملی، تعهد نسبت به جامعه منجر می شود.
	تشدید حاشیه نشینی	۱. زیست غیررسمی ۲. گسترش سکونتگاه های	- زیست غیررسمی با مفاهیمی همچون زیست پنهان، زیست سیاه، زیست زیرزمینی و زیست موازی مترادف است و برای توصیف فرم های ناامن و مستور از زندگی روزمره استفاده می شود و در حواشی و پسرکانه ای استان

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
		غیررسمی ۳. شکل گیری و تقویت گتوهای (تک افتادگی) ملیتی/قومیتی در بین اتباع ۴. شکل گیری شهرک های اقماری	به وفورد دیده می شود و این امر ابعاد اجتماعی و فرهنگی و بعضا سیاسی و امنیتی فراوانی در بردارد. - مشاغلی همچون زیاله گردی و یا افغانی کشی از تبعات زیست غیر رسمی و تشدید حاشیه نشینی می باشد. - گسترش سکونتگاه های غیررسمی"، "گسترش حاشیه نشینی"، "شکل گیری و تقویت گتوهای ملیتی/قومیتی" و شهرک های اقماری از مهمترین تهدیدهای تراکم جمعیتی اتباع فاقد مدرک در استان سیستان و بلوچستان است. - افزایش آسیب های اجتماعی" و "افزایش تمایلات قانون گریزانه از پیامدهای مستقیم زیست غیررسمی می تواند باشد. - رویکرد طرد کننده جامعه استان سیستان و بلوچستان در حال حاضر و بعد از بحران آب در قبال مهاجران، سبب تبعیض و احساس حرمان در میان مهاجران و شکست فرایند ادغام در جامعه جدید و شکل گیری و گسترش "جزیره های قومیتی و تک افتادگی مهاجران" و در نهایت آسیب های اجتماعی و فرهنگی شده است. - شغل های کاذب، درآمد پایین، سطح پایین سواد، سطح دسترسی بهداشتی درمانی نازل، پایین بودن استاندارد فضاهای سکونتی، بالا بودن جرم و بزه، بالا بودن نرخ زاد و ولد و بالا بودن اختلالات روانی و پرخاشگری از خصوصیات بارز حاشیه نشینی در استان س و ب توسط اتباع افغانستانی می باشد. - زیست غیررسمی مهاجران را می توان بازی دو سر باخت خواند. از یکسو این شیوه زندگی برخلاف منافع ملی درازمدت کشور است چراکه کنترلگری اجتماعی را پایین

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
			می آورد و امکان رصد فعالیت های این افراد کاهش پیدا می کند.
	عدم کارایی نهاد مدرسه در بازتولید ارزش های اجتماعی و فرهنگی	۱. عدم فرصت های یادگیری دوطرفه ۲. عدم تبادل فرهنگی	حضور اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان نتوانسته است منجر به تبادل فرهنگی و اجتماعی مطلوب در جامعه مهاجر و میزبان گردد. اتباع افغانستانی بخش بزرگی از فرهنگ، زبان و سنت های خود را با مردم استان سیستان و بلوچستان به اشتراک گذاشته اند اما به طور موثر نبوده است. تبادل فرهنگی منجر به افزایش آگاهی از فرهنگ هر دو جامعه و اعتماد به یکدیگر به صورت مثبت نگردیده است. مدارس و موسسات آموزشی نتوانسته اند به بستری برای تبادل فرهنگی میان کودکان اتباع و کودکان بومی تبدیل شوند
	آگاهی فرهنگی	۱. تقویت همزیستی مسالمت آمیز ۲. پویایی اجتماعی ۳. حفظ و انتقال میراث فرهنگی ۴. تغییر در سبک زندگی ۵. تغییر در ثبات منطقه ای	همچنین حضور اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان منجر به افزایش آگاهی از حقوق بشر و حقوق مهاجران شده است. اتباع افغانستانی در زمینه ایجاد آگاهی اجتماعی نقش مهمی را در جامعه ایران ایفا کرده اند. افزایش آگاهی فرهنگی میان جوامع میزبان و مهاجران می تواند به کاهش تعارضات اجتماعی و تقویت روابط انسانی منجر شود. اتباع افغانستانی می توانند نقش مهمی در معرفی و انتقال عناصر فرهنگی خود به جامعه میزبان ایفا کنند که این امر به تنوع و غنای فرهنگی منطقه کمک می کند. آگاهی فرهنگی می تواند نقش موثری در کاهش تعارضات قومی و مذهبی و ارتقای ثبات امنیتی ایفا کند

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
			مهاجرت و تعامل میان فرهنگی می تواند به تغییراتی در شیوه زندگی جامعه میزبان یا مهاجران منجر شود، مانند تغییر در الگوهای مصرف یا رسوم اجتماعی.
	تغییرات اجتماعی	۱. ازدواج های مختلط ۲. کار و اشتغال ۳. مشکلات هویتی ۴. تنش های اجتماعی ۵. تغییر در ساختار خانواده ۶. فرهنگ پذیری و همگون سازی فرهنگی ۷. تداخل زبانی و فرهنگی ۸. تضعیف برخی از سنت ها ۹. مشکلات تابعیتی و هویتی	فرزندان ازدواج های مختلط به دلیل تفاوت فرهنگی و قانونی، با بحران هویتی روبه رو می شوند. این بحران دریافت تابعیت و پذیرش اجتماعی نیز تأثیرگذار است. به واسطه تفاوت های زبانی، فرهنگی و آداب و رسوم، تضادهایی میان جوامع بومی و مهاجران پدید می آید که گاه به درگیری های اجتماعی می انجامد. ورود الگوهای جدید ازدواج و خانواده ممکن است منجر به تغییر در الگوهای سنتی خانواده در استان شود. ازدواج مختلط زمینه ساز انتقال و تلفیق فرهنگی میان دو گروه است. این پدیده می تواند موجب تقویت هم زیستی فرهنگی شود اما در عین حال ممکن است به از بین رفتن برخی از ارزش های بومی نیز منجر گردد. وجود دو زبان و دو فرهنگ در خانواده های مختلط ممکن است به ایجاد تداخل زبانی و تغییرات فرهنگی منجر شود. پذیرش فرهنگ غالب (اعم از بومی یا مهاجر) ممکن است به تضعیف سنت های فرهنگی گروه مقابل منجر گردد. فرزندان این ازدواج ها ممکن است با مشکلات حقوقی نظیر نداشتن شناسنامه، تابعیت مشخص، و حق تحصیل یا کار مواجه شوند. ازدواج زنان ایرانی با اتباع افغانستانی به دلیل مشکلات قانونی مربوط به تابعیت، حقوق زنان و فرزندان آنان را تحت تأثیر قرار می دهد.

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
	مشارکت اجتماعی	۱. تقویت همبستگی اجتماعی ۲. چالش های فرهنگی و هویتی ۳. افزایش تراکم جمعیتی	مشارکت اتباع افغانستانی در فعالیت های اجتماعی می تواند به همبستگی بیشتر میان اقوام و ملل مختلف در استان منجر شود. تفاوت های فرهنگی و زبانی ممکن است منجر به ایجاد سوء تفاهم یا اصطکاک در تعاملات اجتماعی شود. تراکم جمعیتی به دلیل مهاجرت اتباع می تواند بر خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت و حمل و نقل فشار وارد کند.
	تنش ها و جرائم اجتماعی (قانون گریزی)	۱. شکل گیری و تقویت عصبیت های قومیتی- مذهبی و ملیتی اتباع افغان با مردم ایران ۲. ناپایداری و عدم ثبات در قوانین و مقررات مربوط به حوزه اتباع خارجی ۳. ناهماهنگی بین دستگاه های اجرایی . ۴. پایین بودن اعتماد اجتماعی جامعه مهاجران نسبت به دستگاه سیاستگذار کشور	-حضور اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان منجر به تنش های اجتماعی شده است. -در زمان های بحرانی، اتباع افغانستانی به دلیل عدم شناخت از فرهنگ و سنت های منطقه، با تنش های اجتماعی مواجه شده اند یا حتی به این تنش ها دامن زده اند. -ممکن است برخی تنش های اجتماعی به دلیل رقابت بر سر منابع و شغل ها بوجود آید، اما همچنین می تواند فرصت هایی برای همزیستی و همکاری فرهنگی فراهم کند. - مسائل مربوط به حقوق شهروندی، کار و تحصیل برای اتباع افغانستانی می تواند چالش هایی را برای مدیریت اجتماعی ایجاد کند. -طرد و تحقیر اتباع افغانستانی منجر به شکل گیری و تقویت عصبیت های قومیتی-مذهبی و ملیتی در میان خود مهاجران شده است و به شکل گیری جزیره های متعدد و گسسته بدون ارتباط سازنده با جامعه ایران انجامیده که این امر در درازمدت عواقب امنیتی و اجتماعی گسترده ای خواهد داشت. - جدایی گزینی های اجتماعی-فضایی زمینه های لازم را برای کاهش تماس های بین طبقاتی و افزایش تماس های

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
		میزبان ۵. عدم اطلاع از قوانین و مقررات از سوی جامعه مهاجران . ۶. ناکارآمدی و فقدان ضمانت اجرایی مقررات موجود	درون طبقاتی در جامعه افغان را فراهم ساخته است. این جدایی ها زمینه ساز کم رنگ شدن هویت فردی شهروندان، کاهش تعاملات بین طبقه ای، کاهش منزلت اجتماعی، تقسیم نکردن متعادل خدمات، بروز آسیب های اجتماعی متعدد به ویژه در مناطق محروم، کند شدن آهنگ رشد اقتصادی و در نهایت تشدید نابرابری ها و شکاف های فضایی بین مهاجران و سایر گروه های ساکن در شهرهای استان می شود. - شکل گیری و تشدید ناسازگاری هویتی میان مهاجران با جامعه میزبان به تغییر دامنه تعلق افراد از سطح کلان (جامعه ایرانی) به عصبیت های گروهی و قومیتی، از بین رفتن پیوندهای اجتماعی افراد به جامعه میزبان، تقویت تمایلات فردگرایانه، افزایش ناهنجاریهای روانی-رفتاری و بزه و در نتیجه کاهش اخلاق شهروندی می انجامد.
	بی نظمی اجتماعی	۱. فشار بر زیرساخت های خدماتی ۲. افزایش فعالیت های غیرقانونی ۳. تقابل فرهنگی ۴. فشار بر سیاست گذاری های دولت ۵. چالش در روابط دیپلماتیک	استفاده گسترده از خدمات عمومی مانند آب، برق، و حمل و نقل شهری، بدون پرداخت مالیات یا سهم کافی از سوی اتباع خارجی، فشار زیادی بر زیرساخت های اقتصادی استان وارد کرده است. در برخی موارد، اتباع خارجی به دلیل نبود فرصت های قانونی شغلی، به فعالیت هایی مانند قاچاق کالا و مواد مخدر روی آورده اند که بر اقتصاد و امنیت منطقه تأثیر منفی داشته است تفاوت های فرهنگی و سبک زندگی اتباع خارجی گاه باعث بروز اختلافات و تنش های اجتماعی بین جامعه میزبان و مهاجران شده است. حضور گسترده اتباع خارجی، دولت را به اتخاذ

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
			سیاست های فوری و گاه ناکارآمد واداشته که می تواند موجب نارضایتی عمومی شود. مسئله مهاجران افغانستانی گاه به عنوان یک موضوع حساس در روابط میان ایران و افغانستان مطرح شده و تأثیرات سیاسی نیز به همراه داشته است.

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله‌های پیامدهای سکنی‌گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
پیامدهای اقتصادی	پیامدهای مثبت پیامدهای منفی	۱. افزایش فشار بر منابع محلی و زیرساخت‌های اقتصادی ۲. توسعه غیررسمی بازار کار ۳. اثرگذاری بر اقتصاد خانوادگی ۴. رشد اقتصادی محلی ۵. انتقال مهارت‌ها ۶. توسعه خدمات و صنایع محلی ۷. تشدید فقر و نابرابری ۸. افزایش نیروی کار ارزان قیمت ۹. رونق تجارت مرزی ۱۰. افزایش اقتصاد غیررسمی ۱۱. ایجاد مشاغل کاذب	افزایش جمعیت ناشی از سکنی‌گزینی اتباع خارجی و ازدواج‌های مختلط، فشار بر منابع اقتصادی، خدمات عمومی، و فرصت‌های شغلی را افزایش می‌دهد. حضور اتباع خارجی و خانواده‌های مختلط، بازار کار غیررسمی را تقویت می‌کند که ممکن است به نادیده گرفتن حقوق کارگران محلی منجر شود. تفاوت در سطح درآمد و اقتصاد خانوادگی اتباع مهاجر و بومی می‌تواند نابرابری اقتصادی میان خانوارها را تشدید کند. - حضور اتباع افغانستانی در بازار کار استان، به‌ویژه در مشاغل سخت و غیررسمی نظیر کشاورزی، ساختمان‌سازی و خدمات، نیروی کار ارزان و انعطاف‌پذیر را برای کارفرمایان فراهم کرده است. این امر به کاهش هزینه‌های تولید در بخش‌های مختلف اقتصادی کمک کرده و در برخی موارد به افزایش رقابت‌پذیری کسب‌وکارها منجر شده است. با توجه به نزدیکی استان به مرز افغانستان و پاکستان، حضور اتباع افغانستانی موجب افزایش مبادلات تجاری غیررسمی و رسمی شده است. این افراد در بسیاری موارد به‌عنوان واسطه‌های تجاری عمل کرده و کالاهای تولیدی محلی را به بازارهای خارجی منتقل می‌کنند. افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات، از جمله مسکن، مواد غذایی و پوشاک، موجب رونق بازارهای محلی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید برای جامعه میزبان شده است.
		۱. تهدیدات امنیتی ۲. نفوذ گروه‌های	در صورت عدم مدیریت فرهنگی و اجتماعی، مهاجرت می‌تواند باعث تشدید چالش‌های امنیتی مانند قاچاق انسان

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
و امنیتی	اجتماعی -افزایش تمایلات قانون گريزانه	افراطی ۳.چالش در مدیریت مرزی ۴.افزایش نرخ جرائم	یا مواد مخدر شود. به دلیل ناآرامی های سیاسی در افغانستان، امکان ورود عناصر افراطی به منطقه و افزایش تهدیدات امنیتی وجود دارد. مهاجرت غیرقانونی و قاچاق انسان، مدیریت مرزهای استان را با مشکلات جدی مواجه کرده است. ارتباط میان مهاجرت غیرقانونی و افزایش جرائم اجتماعی همچون سرقت و نزاع در برخی مناطق استان مشاهده شده است.
پیامدهای تغییرات جمعیتی	۱-تغییر هرم سنی ، جنسی و مذهبی ۲-تغییر بافت جمعیتی ۳-تغییر ایماژ جمعیت مهاجران ساکن از هزاره شیعی به ...	۱.تغییر ترکیب جمعیتی ۲.تغییر سبک زندگی ۳.فشار بر زیر ساخت های خدماتی	-در برخی مناطق استان بافت محله ای با غلبه ساکنان مجرد مرد، غلبه سکونت اهل تسنن و یا غلبه ملیتی و حضور حداکثری اتباع افغانستانی مواجه است که بافت کالبدی محلات را دستخوش تغییر نموده است. -تغییر بافت جمعیتی در برخی مناطق در استان های مرزی ازجمله سیستان و بلوچستان همواره از پیامدهای امنیتی افزایش حضور اتباع غیرایرانی در کشور بوده است - "تغییر ترکیب جمعیتی و به ویژه مذهبی " در مناطق استان یکی از مهمترین بسترهای تهدید می باشد. -اگرچه ایماژ جمعیت مهاجران ساکن در ایران با کلیشه "افغانی هزاره شیعی " برساخت شده است اما داده های غیررسمی نشان می دهد که در دهه اخیر جمعیت مهاجران قومیت تاجیک، ازبک، پشتون و قزلباش افزایش داشته است و لزوما دیگر نمی توان جمعیت مهاجران افغانستانی را در قالب "برادران شیعی" تقلیل داد. - باید دقت شود که در برخی مناطق شهری و روستایی استان جمعیت اهل تسنن به دلیل فربه شدن جامعه مهاجران

جدول شماره ۲. مفاهیم و مقوله های پیامدهای سکنی گزینی اتباع افغانستانی

مقوله اصلی	مقوله محوری	زیر مقوله (کد)	جملات کلیدی
			افغانستانی از جمعیت ایرانیان شیعی ساکن پیشی گرفته است و این نکته قابل تاملی می باشد. - ترکیب جمعیتی مردان مهاجر افغان در استان مشهود می باشد و این خطرناک است. - برخی از مناطق استان به دلیل فرسودگی کالبدی و به دلیل ضعف بنیان های اجتماعی و زیست محیطی و اقتصادی بتدریج از ساکنان بومی خالی شده و با طبقه فرودست کم درآمد - که مهاجران افغانستانی عمدتاً در این طبقه قرار می گیرند - جایگزین شده اند. - پایین بودن هزینه اجاره مسکن، مشکلات مالی ناشی از افزایش قیمت هزینه های تمدید وضعیت، بالا بودن نرخ خانوار بر جمعیت در جامعه افغانستانی، دسترسی راحت تر به امکانات شغلی زیر زمینی در فعالیت های یدی و خدماتی که در نتیجه تمایل کارفرمایان ایرانی در به کارگیری نیروی کار ارزان قیمت فاقد مدرک از جمله مهمترین دلایل کشش کالبدی در استان است.

نتیجه گیری

نتایج پژوهش حاکی از آن است که پیامدهای حضور اتباع خارجی افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان شامل پیامدهای فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی و تغییرات جمعیتی می باشد که بر اساس نتایج مصاحبه با خبرگان ۴ بعد، ۱۵ مولفه؛ ۵۶ کد و در نهایت ۶۰ جمله کلیدی از دل مصاحبه ها احصا گردید است. در تبیین نتایج مقاله در پاسخ به سوال اصلی مبنی بر اینکه مهمترین پیامدهای مهاجرین افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان چه می باشند؟ می توان گفت مهمترین پیامدها عبارتند از «اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی

و تغییرات جمعیتی است که در تبیین نتایج می توان اذعان داشت که بعد از تحولات سیاسی تابستان ۱۴۰۰ و قدرت گیری طالبان در نظام سیاسی افغانستان و بعد از خروج نیروهای غربی از این کشور سیاست رسمی ایران بسته نگاه داشتن ورودی های قانونی مرزهای شرقی بوده است اما بررسی های میدانی و گزارشات رسانه ای نشان می دهد که بازار افغانی کشی به صورت گسترده تری در استان سیستان و بلوچستان در جریان می باشد و افراد فاقد مدرک هویتی که از شرایط پیش آمده در افغانستان فرار می کنند به انحاء مختلف در حال ورود غیرقانونی به ایران هستند و از آنجا که مراکز اسکان رسمی از سوی دولت ایران هم مشخص نشده است این افراد به محض ورود به داخل خاک ایران خود را به نزدیکترین شبکه داخل کشور می رسانند که استان سیستان و بلوچستان به دلیل تجمع اتباع افغانستانی و شکل گیری شبکه های خویشاوندی سترگ، از مهمترین مقاصد این افراد می باشد.

زند رضوی (۱۳۹۹) تجارت افغانی کشی را که به معنای ورود غیرقانونی هر کارگر روزمرد از کشور افغانستان تا رسیدن به مقصد برای فروش نیروی کار می داند مولد چرخش مالی انبوهی می داند که به فربه شدن شبکه های مافیایی در بازه "اخراج از مرز قانونی و ورود غیرقانونی" منجر شده و در سال ۱۳۹۵ سالانه حداقل ۶۰۰ میلیارد تومان گردش مالی برای آن تخمین زده شده است. کارگزاران این شبکه که مصداق بارز قاچاق انسان است شامل صاحبان سرمایه در کشورهای فرستنده، رانندگان فوق حرفه ای، راه بلدها، رابطه ها، کارفرمایان در کشور مقصد و ماموران دولتی است و در این فرایند مجموعه وسیعی از فسادهای مختلف در جریان است. همچنین بررسی الگوهای مهاجرت در میان اتباع افغانستانی حاکی از آن است که بیشتر مردان افغانستانی در ایران و استان سیستان و بلوچستان حضور دارند. اگرچه در سال های اخیر مهاجرت های انفرادی در میان دختران افغانستانی افزایش یافته است و همانطور که دناتو و همکاران (۲۰۱۱) اشاره می کنند الگوهای مهاجرت به تدریج به سمت تعادل جنسیتی حرکت می کند اما همچنان آمار مردان افغان در کشور و استان سیستان و بلوچستان نشان دهنده پدیده غالب مردگزینی در فرایند مهاجرت در استان سیستان و بلوچستان است.

همچنین یکی دیگر از نتایج جالب توجه در خصوص پیامدهای اجتماعی و فرهنگی حضور اتباع افغانستانی در استان و بر اساس شاخصه های ساختار جمعیتی مهاجران؛ جوان بودن آن ها می

باشد. به طوری که بر اساس داده‌های سرشماری مسکن و نفوس (مرکز آمار ایران ۱۳۹۵) حدود ۴۶ درصد مهاجران افغانستانی زیر ۲۰ سال و حدود ۶۷ درصد آنان زیر ۳۰ سال سن داشته‌اند. از سوی دیگر بالا بودن نرخ باروری و غلبه سنت بر الگوهای باروری است. براساس مصاحبه‌های صورت گرفته با متخصصان، یکی از مهمترین نگرانی‌های دستگاه سیاستگذار در خصوص ورود و اسکان اتباع غیرایرانی، "تغییر هرم سنی، جنسی و مذهبی" مناطق مختلف استان سیستان و بلوچستان و حتی ایران می باشد به نوعی که در برخی مناطق استان بافت محله ای با غلبه ساکنان مجرد مرد، غلبه سکونت اهل تسنن و یا غلبه ملیتی و حضور حداکثری اتباع افغانستانی مواجه است که بافت کالبدی محلات را دستخوش تغییر نموده است. تغییر بافت جمعیتی در برخی مناطق استان همواره از پیامدهای امنیتی افزایش حضور اتباع غیرایرانی بوده است (علی پور و همکاران ۱۳۹۶) اما در سال های اخیر در برخی مناطق استان نیز این الگو در حال شکل گیری و افزایش است. اگرچه هنوز داده رسمی و قابل استنادی از سوی نهادهای زیربسط منتشر نشده است اما بررسی های میدانی نشان می دهد که در برخی مناطق استان سرعت این امر بالا است. در مصاحبه متخصصان با برخی از نهادهای مرتبط با موضوع اتباع افغانستانی، "تغییر ترکیب جمعیتی و به ویژه مذهبی" در مناطق استان یکی از مهمترین بسترهای تهدید بیان شده است و در اکثر رفتارهای خلاف عرف و هنجار حضور اتباع افغانستانی مشهود می باشد.

لازم به ذکر است یکی دیگر از مباحث فرهنگی و اجتماعی ناشی از حضور اتباع افغانستانی تغییر تصویری جمعیت مهاجران ساکن در ایران که با کلیشه "افغانی هزاره شیعی" است که داده های غیررسمی نشان می دهد که در دهه اخیر جمعیت مهاجران قومیت تاجیک، ازبک، پشتون و قزلباش افزایش داشته است و لزوماً دیگر نمی توان جمعیت مهاجران افغانستانی را در قالب "برادران شیعی" تقلیل داد. چرا که در برخی مناطق شهری و روستایی استان جمعیت اهل تسنن به دلیل فرجه شدن جامعه مهاجران افغانستانی از جمعیت ایرانیان شیعی ساکن پیشی گرفته است و این موضوع در حال حاضر و در بلند مدت تبعات جبران ناپذیری بر جامعه استان سیستان و بلوچستان خواهد داشت که لازم است در این خصوص تعمق بیشتری صورت پذیرد. از طرفی در راستای آسیب شناسی حضور اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان لازم به ذکر است که "ناپایداری و عدم ثبات در قوانین و مقررات مربوط به حوزه اتباع خارجی"، "ناهماهنگی بین

دستگاه های اجرایی"، "پایین بودن اعتماد اجتماعی جامعه مهاجران افغان نسبت به دستگاه سیاستگذار کشور"، "عدم اطلاع از قوانین و مقررات از سوی جامعه مهاجران افغانستانی"، "ناکارآمدی و فقدان ضمانت اجرایی مقررات موجود" از مهمترین عوامل تشدید کننده قانون گریزی در میان اتباع افغانستانی ساکن در سکونت گاه های غیررسمی است؛ امری که قابل تعمیم به کلیه ابعاد زیستی جامعه مهاجران در سطح کشور است و مساله بسیار مهم و دارای ابعاد گوناگون می باشد.

همچنین لازم به ذکر است "سازگاری منفعلانه" و "بی مسئولیتی اجتماعی" در میان مهاجران نسبت به ارزش ها و هنجارهای جامعه ایران و استان سیستان و بلوچستان بواسطه زیست غیررسمی و سایر پیامدهای اجتماعی و فرهنگی می توان گفت که تهدید جدی برای منافع ملی خواهد داشت. شکل گیری و تشدید ناسازگاری هویتی میان مهاجران افغان با جامعه میزبان استان سیستان و بلوچستان به تغییر دامنه تعلق افراد از سطح کلان (جامعه ایرانی) به عصیت های گروهی و قومیتی، از بین رفتن پیوندهای اجتماعی افراد به جامعه میزبان، تقویت تمایلات فردگرایانه، افزایش ناهنجاریهای روانی-رفتاری و در نتیجه کاهش اخلاق شهروندی می انجامد. بنابراین باید دقت شود که زیست غیررسمی مهاجران را می توان بازی دو سرباخت خواند. از یکسو این شیوه زندگی برخلاف منافع ملی درازمدت کشور خواهد بود چراکه کنترلگری اجتماعی را پایین می آورد و امکان رصد فعالیت های افراد از بین می رود و همچنین تربیت سرمایه انسانی (در راستای سفیر فرهنگی مورد نظر در اسناد بالادستی) کاملاً مغفول می ماند چراکه افراد صرفاً در جستجوی راهی برای بقا مسیرهای غیررسمی را تجربه می کنند که قابل مشاهده و تحلیل نیست. از سوی دیگر این شیوه زندگی به موقعیت بی ثبات و متزلزل مهاجران دامن زده و مسیری بدون چشم انداز روشن را در برابر افراد قرار می دهد که این احساس نامرئی بودن و دیده نشدن به دلزدگی و ناکامی آنها منجر می شود و سرمایه انسانی تولید شده در بستر نهاد آموزش به هدر می رود و بعضاً پیامدهای منفی بیشماری برای جامعه ایرانی و سیستان و بلوچستانی خواهد داشت.

پیشنهادهای کاربردی

سکنی گزینی اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان، پدیده‌ای چندوجهی است که پیامدهای اقتصادی مثبت و منفی به همراه دارد. برنامه‌ریزی دقیق، سیاست‌گذاری مدبرانه و همکاری میان نهادهای دولتی و غیردولتی می‌تواند به کاهش پیامدهای منفی و بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های اقتصادی این پدیده انجامید.

برنامه‌ریزی جمعیتی و تدوین سیاست‌های جمعیتی برای مدیریت اثرات بلندمدت حضور اتباع افغانستانی در استان سیستان و بلوچستان باید در دستور کار مدیران و تصمیم‌گیران استانی قرار گیرد.

کنترل مهاجرت غیرقانونی و ایجاد سازوکارهای قانونی برای نظارت و کنترل ورود و اقامت اتباع خارجی بهتر است با جدیت بیشتری در دستور کار قرار گیرد.

مدیریت جامع مهاجرت و تدوین سیاست‌های جامع برای مدیریت مهاجرت و ادغام اجتماعی اتباع افغانستانی با بررسی اثرات حضور اتباع در استان باید آسیب‌شناسی و مورد مداخله و بررسی قرار گیرد.

کنترل مرزی مؤثر و تقویت کنترل مرزی و شناسایی مسیرهای غیرقانونی ورود مهاجران و تلاش برای بستن مرزهای ورود غیرقانونی می‌تواند نقش بسزایی در کاهش حضور اتباع غیرمجاز به کشور و به خصوص استان سیستان و بلوچستان داشته باشد.

تقویت نظارت مرزی و ایجاد سامانه‌های پیشرفته برای کنترل ورود و خروج اتباع خارجی به منظور مدیریت بهتر اتباع و مهاجران از موارد بسیار مهم است که بایستی در دستور کار مدیران استانی قرار گیرد.

برنامه‌ریزی شهری؛ ارائه تسهیلات برای اسکان مناسب مهاجران به گونه‌ای که موجب گسترش حاشیه‌نشینی نشود.

آموزش و توانمندسازی مهاجران قانونی و ارائه آموزش‌های حرفه‌ای و فرهنگی برای تطبیق بهتر اتباع با جامعه میزبان.

تقویت همکاری های منطقه ای؛ تعامل با دولت افغانستان و سازمان های بین المللی برای مدیریت بهتر پدیده مهاجرت.

افزایش آگاهی عمومی؛ برگزاری برنامه های فرهنگی و آموزشی برای کاهش تعارضات میان جامعه میزبان و مهاجران.

بازنگری قوانین و مقررات تابعیت جهت تسهیل فرآیند دریافت تابعیت برای فرزندان ازدواج های مختلط به منظور کاهش بحران های هویتی.

آموزش و توانمندسازی فرهنگی؛ برگزاری کارگاه های آموزشی برای تقویت همزیستی فرهنگی میان جوامع بومی و مهاجر.

تدوین سیاست های حمایتی برای زنان ایرانی جهت حمایت از حقوق زنان ایرانی در ازدواج با اتباع خارجی و تضمین حقوق فرزندان آنها.

فهرست منابع

- بازرگان هرنیدی، عباس (۱۳۹۵). مقدمه ای بر روش های تحقیق کیفی آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. چاپ ششم، تهران: نشر دیدار .
- بیات، آصف (۱۳۹۸)، سیاست های خیابانی (جنش تھی دستان در ایران)، ترجمه اسدالله نبوی چاشمی، تهران: نشر شیرازه.
- بیات، مهدی؛ آفاجانی مرسا، حسین؛ حضرتی صومعه، زهرا. (۱۳۹۹). تحلیل داده بنیاد از چالشهای تامین اجتماعی مهاجران ساکن در تهران، مورد مطالعه: اتباع مراجعه کننده به اداره کل تامین اجتماعی غرب تهران بزرگ. فصلنامه جمعیت شناسی ایران. ۱۵ (۳۰)، ۳۴۳-۳۶۹.
- پاکزاد، ج. (۱۳۷۰). تاریخچه سکونت و مهاجرت در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسن نژاد، بهزاد (۱۳۹۸)، تاثیر نیروی کار مهاجر افغانستانی بر نرخ بیکاری و نرخ مشارکت افراد بومی در بازار کار ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- خجسته نژاد، ندا و ابراهیم حاجیانی و سیدرضا صالحی امیری و نعمت الله فاضلی (۱۳۹۶)، سنجش میزان همبستگی ملی در میان اقوام آذری و ترکمن، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۶، شماره ۳، پاییز.
- زند رضوی، سیامک (۱۳۹۹)، مرآه انسانی ریشه هر تندروی بین منطقه را خشک می کند، گفتگو با روزنامه اعتماد، خرداد...
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۹ ج)، تحلیل جنسیتی فرایند هویت یابی دانش آموزان افغانستانی در نهاد آموزش و پرورش ایران، طرح پژوهشی موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم.
- سعیدی، سعیده (۱۳۹۹ د)، سیاستگذاری مهاجرت و پناهندگی؛ مطالعه موردی آلمان، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره مسلسل ۱۷۱۴۲، تیر.
- سعیدی، سعیده و فلاحی، لیلا (۱۳۹۹ ب)، تحلیل جنسیتی چالش های دانشجویان افغانستانی در نظام آموزش عالی ایران، مجله مسائل اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۲.
- شیخ غفوری، هادی؛ بیری گنبد، سکینه؛ دهشیار، حسین. (۱۳۹۹). تبیین چگونگی غیرامنیتی سازی روابط ایران و افغانستان سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۹. فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام. ۲ (۴)، ۲۵-۴۸.
- صادقی، رسول (۱۳۸۸) ویژگی های جمعیتی مهاجران خارجی در ایران در سال ۱۳۸۵. مجله بررسی های آمار رسمی ایران. سال ۲۰، شماره ۱. صص ۴۱-۷۳.
- صادقی، فاطمه. (۱۳۸۶)، سیاست ایران و مهاجرین افغان: تغییر سیاست و تحول هویت، فصلنامه گفتگو، شماره ۵۰، صص ۲۱-۷.

- عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی (۱۳۸۸)، تفاوت های بومی-مهاجر ازدواج در ایران: مطالعه مقایسه ای رفتارهای ازدواج مهاجران افغان با ایرانی ها، نامه انجمن جمعیت شناسی، دوره ۴، شماره ۸.
- عباسی، م؛ محمدی، ف. (۱۳۹۲). تحلیل الگوهای سکونت در ایران، رویکردی نوین. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی. ۲۳(۴). ۱۰۳-۱۲۲.
- علالالدینی، پویا و میرزایی، آمنه (۱۳۹۷)، ادغام مهاجران افغانستانی در نواحی شهری ایران: مطالعه موردی محله هرنندی در تهران، پژوهش های انسان شناسی ایران، دوره ۸، شماره ۱.
- علی پور، عباس و حسن سعادت جعفرآبادی و جلیل دهقانی فیروزآبادی (۱۳۹۶)، شناخت و تحلیل پیامدهای امنیتی ناشی از حضور اتباع بیگانه افغانی در استان یزد، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره ۵، شماره ۱۸.
- علی احمدی، علیرضا؛ غفاریان، وفا (۱۳۸۲). اصول شناخت و روش تحقیق (با نگاهی به مطالعات تاریخی). فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، شماره ۴۶ و ۴۷، سال ۱۳۰۲۶۶-۲۴۱.
- عیسی زاده، سعید؛ عباسیان، عزت الله؛ نوری، احمد ضیا. (۱۳۹۹). تاثیر مهاجرت بر آموزش و مهارت های نیروی کار افغانستان: مطالعه موردی مهاجران بازگشته از ایران. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران. ۲۵(۸۵)، ۶۵-۹۰.
- عیسی زاده، سعید؛ مهرانفر، جهانبخش (۱۳۹۲) بررسی تأثیر مهاجرت بین المللی بر سطح اشتغال و دستمزد: مورد مطالعه اقتصاد ایران. مجله تحقیقات اقتصادی؛ دوره ۴۰، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۱۰.
- فاضلی، عبدالعلی. (۱۳۹۶). بررسی آسیب های هویتی نوجوانان مهاجران افغانستانی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی بلاغ، ۲۰(۵۱ و ۵۲)، ۱۸۱-۱۹۰.
- فلاح، غلامعلی و سارا برمکی (۱۳۹۵)، چالش عناصر هویت ساز سرزمین مادری و میزبان در فضاهای بیناگتمانی مهاجرت در رمان های ادبیات مهاجرت فارسی، جستارهای زبانی، شماره ۵.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: تربیت معلم.
- کشاوری قاسمی، حسین، نادرپور، بابک. (۱۳۹۸). گونه شناسی هویتی پناهندگان نسل دوم و سوم افغانستانی در ایران (با تاکید بر استان قزوین). فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای)، ۹(۳۵)، ۱۱۷-۱۳۳.
- لطفی، محمود رضا و حسنعلی جهان تیغ (۱۳۹۳)، سکونت گزینی افغانه بر توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاهای مرزی سیستان، فصلنامه علمی پژوهشی آمایش سرزمین، دوره ششم، شماره ۲.
- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۱)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۲)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۳)، آمارنامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

- مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، (۱۳۹۸)، سالنامه آماری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مرکز آمار و اطلاعات راهبردی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۶)، بررسی ویژگی ها و وضع فعالیت اتباع خارجی در کشور (براساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵)، بهمن.
- میرزایی، حسین (۱۳۹۲)، انسان شناسی قومی-زبانی مهاجرین هزاره در ایران، مجله پژوهشهای انسان شناسی ایران، دوره ۳، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- وثوقی، فاطمه؛ محسنی، رضا. (۱۳۹۵). بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۳۱(۲)، ۴-۱۸.
- هایدگر، مارتین. (۱۳۷۷). بناکردن، سکنی گزیدن، اندیشیدن در فلسفه تکنولوژی. ترجمه شاپور اعتماد. تهران: نشر مرکز.
- یوسفی، علی؛ موسوی، سیدمهدی؛ حسینی، آمنه سادات (۱۳۹۲) شبکه اجتماعی مهاجران افغان در مشهد، مورد پژوهش: مهاجران ساکن شهرک گلشهر. مسائل اجتماعی ایران، سال چهارم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲.
- Abbasi-Shavazi M., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2008). Second-generation Afghans in Iran: integration, identity and return. Kabul: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
- Abbasi-Shavazi, M., Glazebrook, D., Jamshidiha, G., Mahmoudian, H., & Sadeghi, R. (2005). Return to Afghanistan? A Study of Afghans Living in Mashhad, Islamic Republic of Iran. Tehran: Afghanistan Research and Evaluation Unit.
- Adelkhah, F., & Olszewska, Z. (2007). The Iranian Afghans. *Iranian Studies*, 40(2).
- Borjas, G.J., & Bratsberg, B. (1994). Who leave? the outmigration of the foreign-born, NBER Working paper series, no. 4913, National Bureau of economic research.
- Braakman, M., & Schlenkhoff, A. (2007). Between two worlds: feelings of belonging while in exile and the question of return. *Asien*, 104.
- Brah, A. (2005). *Cartographies of diaspora contesting identities*, New York: Routledge.
- Bryman, A. (2016). *Social research methods*, Oxford University Press.
- Christiansen, J. (2016). Guests or trash. Iran's precarious policies towards the Afghan refugees. DIIS Report, 11.
- Donato, K.M., & Alexander, J.T., & Gabaccia, D.R., & Leinonen, J. (2011). Variations in the gender composition of immigrant populations: how and why they matter, *International Migration Review*, 45(3).
- Erdal, M.B., & Oeppen, C. (2013). Migrant balancing act: understanding the interactions between integration and transnationalism. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 39(6).
- Farzin F & Jadali S (2013). Freedom of movement of Afghan refugees in Iran. *Forced Migration Review* 44.
- Frelick, B. (1999). Refugees in Iran: Who should go? Who should stay? *Refugee Reports*, 20(6).
- Gramsci, A. (1971). *Prison notebooks*. New York: International Publishers.
- Grare, F., & Maley. (2011). *The Afghan refugees in Pakistan*. Middle East Institute, pour la Recherche Strategique.
- Hennebry, J. (2017). For their own good? Addressing exploitation of women migrant workers. *Migration Research Leaders' Syndicate*, 131.
- Hobler, L. (2015). Paradox and repatriation: Iranian refugee policies and the Afghan Crisis. *Refugees Studeis*. 2.

Hoodfar, H. (2010). Refusing the margins: Afghan refugee youth in Iran. In Chatty D(ed): Deterritorialized Youth: Sahrawi and Afghan Refugees at the Margins of the Middle East, 145-181. London: Berghahn Books.

ICRC. (2009). Our world: views from the field, Afghanistan opinion survey and in-depth research. Available from: from: <https://www.icrc.org/eng/assets/files/2011/afghanistan-opinion-survey-2009.pdf>.

IOM, (2020). AVVR Factsheet, Assisted voluntary return and reintegration.

IOM, (2021). Key global migration figures. Available from: <https://migrationdataportal.org/sites/default/files/2021-02/key-global-migration-figures.pdf>. Jauhiainen, J., Eyvazlu, D., & Salavati, S. (2020). Afghans in Iran: migration patterns and aspirations. Publications of the Department of Geography and Geology, 13.

